

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترق

پنجشنبه ۷ تیر ۱۴۰۳ • ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۵ • ۲۷ ژوئن ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۶۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب فردا ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۳:۰۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۱

۶۵

درصد

نتایج تحقیقات صندوق بین‌المللی پول در ماه ژانویه نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند ۳۳ درصد از مشاغل را در اقتصادهای پیشرفته، ۲۴ درصد مشاغل در اقتصادهای نوظهور و ۱۸ درصد مشاغل را در کشورهای کم‌درآمد به خطر بیندازد.
بیزنس گزارش کرد بسیاری از این کشورها فاقد زیرساخت‌ها یا نیروی کار ماهر مورد نیاز برای بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی هستند که می‌تواند نابرابری را در بین کشورها بدتر کند.

۲۵۰۵

حادثه

به گزارش سازمان ملل در طول چهار ماه، دوهزارو ۵۰۵ حادثه امنیتی در افغانستان ثبت شده است.
آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در گزارش خود از وضعیت افغانستان گفت حوادث امنیتی در این برهه زمانی ۵۵ درصد نسبت به زمان مشابه در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است.



مراسم جشن عید سعید غدیر خم در تهران با عنوان میهمانی ۱۰کیلومتری، عصر سه‌شنبه پنجم تیر از میدان امام حسین(ع) تا میدان آزادی تهران برگزار شد.

عکس:محمدمهدی پورعرب، ایران

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

## داستان ۲ کتابخانه (ملی)\*

ارسطوشهبانی

به‌جز زلاندنو چاپ شده بودند و ده‌ها در کنار صدها هزار کتاب دیگر در آن کتابخانه آرمیده بودند. کوتاه سخن اینکه قلمی کردن اعتراض‌هایم به چنین سلاخی بی‌معنی کتاب‌ها من را به‌عنوان تنها عضو غیر انگلیسی‌زبان در کنار جمعی از نویسندگان و دانشگاهیان زلاندنو قرار داد که خواسته آنها نیز حفظ حرمت کتاب‌ها بود. کش‌وقوس‌های این داستان از حوصله این نوشتار خارج است. فقط یک نمونه را که به طنز تلخی می‌ماند، ذکر می‌کنم. «دوک مونزو» مورخ و استاد دانشگاه کوئینزلند استرالیا، یکی از اعضای این تیم است. بخشی از آثار ایشان در زلاندنو و بخشی در استرالیا چاپ شده‌اند. حال ایشان با این منطق کتابخانه ملی باید انتظار بکشند تا ببینند کدام کتاب‌هایش به دور ریخته خواهد شد و کدام به ساحل امن خواهد رسید. اکنون پس از گذشت چند سال هنوز پرزنده کتاب‌ها باز است. آنچه به‌عنوان شعار محوری این گروه مطرح بود، قابل توجه مدیران ارشد کتابخانه ملی ایران نیز هست. اینکه آیا فلسفه وجودی کتابخانه ملی چیست؟ مگر نه آنکه وظیفه خطیر و دوست‌داشتنی نگهدانی از کتاب‌ها برای حصول رضایت تک‌تک افراد ملت است؟ آیا متولیان امر می‌دانند کتابخانه تحت مدیریت ایشان در حکم پناهگاه اهل پژوهش است؟ آیا آرامشی را که از موانست با کتاب حاصل می‌شود، تجربه کرده‌اند؟ اینکه من شهروند اجازه نیایم عضو کتابخانه ملی شوم، فرقی با این ندارد که کتاب‌ها را حراج کنند و دیگر اثری از آنها نتوانم یافت. شاید قرن بیست‌ویکم به بورخس‌های بیشتری نیاز دارد. کسانی که حتی اگر نابینا باشند، با روشن‌دلی راه مطالعه را برای نسل‌ها بعد هموار کنند.

✦ در انتساب عنوانی برای این نوشته به یاد کتاب «داستان دو شهر» اثر چارلز دیکنز، افتادم.

هنر خوانی

### جایزه‌ای برای سینمای ایران

مسن است که در مقطع ۷۰سالگی تصمیم می‌گیرد زندگی جدیدی را تجربه کند. خانم بازیگر (شخصیت) فیلم در تمام صحنه‌های خارج از منزل، باحجاب است و در صحنه‌های خارج از خانه حتی یک پلان بی‌حجاب ظاهر نمی‌شود. بنابراین «قانون حجاب» کاملاً رعایت شده است. او تأکید کرده است: «موضوع حجاب در فیلم بسیار جدی تلقی شده و اما از ظرفیت‌هایی که در این زمینه برای بانوان مسن وجود دارد، استفاده کرده‌ایم. فیلم یک بار، اما به شکل فوق و با در نظر گرفتن قوانین، اما با استفاده از ظرفیت‌های فقهی فیلم‌برداری شده است.» فیلم «کیک محبوب من» پیش از این توانسته جوایز فیبرشسی (بهترین فیلم از نظر فدراسیون بین‌المللی منتقدان) و اکومینیکال (کلیسای جهانی) را در هفتادوچهارمین جشنواره فیلم برلین دریافت کند. این فیلم همچنین اخیرا برنده جایزه بهترین فیلم از سی‌وهشتمین جشنواره کایورگ فرانسه شده است.



عکس:حبیب‌جایی‌پور

بیشخوان

### نگاه نورا به دوستانتان هدیه دهید

مقاله‌هایی از حبیب حسینی، فیصل دُرّاج (ترجمه احسان موسوی‌خلخالی)، علی میرزایی، شهبندخت خوارزمی، سیما راستین، موسی اگرمی، بهمن زبردست و هستی رسولی. بخش پایانی این شماره با گزارشی به قلم اعظم فخرالدین عظیمی، مصطفی ملکیان و حسین شیخ‌رضایی نوشته‌اند و بخشی از نمایش‌نامه اودیپوس‌شاه (نوشته سوفوکلسی) را عبدالله کوثری ترجمه کرده و به «فولادوند» پیشکش کرده است. در این بخش، ۹ کتاب از ترجمه‌های فولادوند را همکاران نگاه نو معرفی کرده‌اند. پس از بخش ویژه، داستان کوتاهی از تنسی ویلیامز به ترجمه نرگس انتخابی، داستان کوتاه دیگری نوشته بهاره جحتی و ترجمه ۱۰ شعر از شاعران کروی‌ای به قلم حسن هاشمی‌میناباد به چاپ رسیده است. گفت‌وگوی این شماره را علی میرزایی با محمد درویش، کارشناس و صاحب‌نظر محیط زیست، انجام داده است. بخش بعدی نگاه نو ۱۴۱ بخش مقاله‌هاست:



شاهنامه‌خوانی

### فرجام کار ارجاسب(۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

اسفندیار جامه رزم به تن کرد و یاران خود را که به همراه داشت، گفت امشب شبی پر از رویدادهای سترگ است و اگر بیروز شویم، نام خواهیم گرفت. آن‌گاه پلان را سه بهره کرد، یک بهره را در میانه دژ فرستاد که با هر که در برابرشان بایستد، بجنگد؛ بهره دوم را بر در دژ نهاد تا کسی در دژ را بر سپاهیان ایران نبندد و بهره سوم را گفت همه آتانی که در این بزم بودند، اکنون از مستی به خواب رفته‌اند، سر همه آنان را از تن دور گردانید. سپس به درگاه ارجاسب رفت، خشمگین و غرش‌کنان به کردار شیر. چون آوای جنگ برخاست، دو خواهر اسفندیار، همای و به‌آفرید گریان و خون‌فشان از مژگان به نزد برادر دویدند. اسفندیار آنان را گفت: «شتاب کنید و از اینجا به جایی روید که بازارگاه من است. در آنجا زر و سیم بسیار است. در این رزمگاه نمانید؛ خواه جان بسپارید یا جان‌های دشمنان شما را بستانم». آن‌گاه با تیغ هندی در مشت، هر یک از نگهبانان و یاران ارجاسب را که در پیشاروی خویش دید، از پای درآورد. در سراسر بارگاه ارجاسب بیکره کشته‌شدگان راه گذر بسته بود و در این هنگامه ارجاسب که بسیار نوشیده بود، به خود آمد، شتابان جامه رزم پوشید و با خنجرى در دست و دهانی از آوای پر از خون با اسفندیار رویاروی شد. اسفندیار او را گفت: «اکنون از این بازارگان تنها پیشکشی دریافت نمی‌کنی، تیغ نیز از آن تو خواهد شد، تو را پیشکشی‌ای آورده‌ام از لهراسب که نشان گشتامی دارد.» ارجاسب و اسفندیار بنا بیکدیگر درآویختند و کارزارشان به درازا کشید و پیایی بیکدیگر را زخم تیغ و خنجر زدند و سرانجام ارجاسب از بسیاری زخم‌ها سست شد که جای درستی در تن او نمانده بود و تن پیلوارش توان از دست بداد، ابتدا به زانو نشست و سپس بر



زمین فروغلتید و اسفندیار سر از تنش دور گرداند. چون ارجاسب کشته شد، از کاخ زنان خروشی برآمد. و آن‌گاه حکیم توس خود لب به سخن می‌گشاید و می‌گوید: چنین است کردار گردنده چرخ/ کهی نوش یابیم از او گاه زهر چه بندی دل اندر سرای سینج/ چو دانی که ایدر نمائی مرنج. اسفندیار کاخ ارجاسب را به فرودستان دژ سپرد و از کاخ او یک رشته نیز بزرگرفت و چون در ایوان کسی نیبود که در برابر او بایستد، به سوی آخر رفت و از میان اسبان تازی یکی را برگزید و فرمان داد بر پشت آن اسب زین گذارند و با گروهی از یاران و همای و به‌آفرید که بر دو اسب نشسته بودند، از دژ خارج شدند. شاهزاده ایرانی چند مرد از ایرانیان را در دژ زیر فرمان ساوه ارجمند به جای گذارد و به ساوه گفت: «چون من از دژ بیرون می‌روم، به ترکان در دژ سخت بگیرد که اینان نیای مرا با آن خشونت از پای درآورند و همه آتش‌بانان را با درشت‌خویی بکشند. مگر آنان که بخت یارشان است و تو را یاری می‌دهند.» اسفندیار با صدوشصت تن از یارانش از دژ بیرون رفت و ساوه را گفت آن‌گاه که کهرم با سپاهش بازمی‌گردد، سر ارجاسب را از بلندجایی در پیش پایش افکند، تا از نبرد دست بشوید و خود به نزد برادرش، پشوتن بازگشت و با دیدار اسفندیار از سپاه ایران، آوای ستایش از او برخاست. پیامد ز دژ با صدوشصت مرد/ خروشان و جوشان به دشت نبرد چو نزد سپاه پشوتن رسید/ بر او نامدار آفرین گسترید.

## ام اس با تشخیص به موقع و داروهای

## موجود قابل کنترل می باشد

## استرس و اضطراب می تواند منجر به بروز ام اس

## و تشدید آن گردد

## توانبخشی، مثبت اندیشی و ورزش برای بیماران

## بیماران ام اس مفید است



www.iranms.org

۰۲۱-۶۶۹۵۱۱۸۷

۹-۶۶۹۵۳۹۰۷